

عوامل موثر بر ایجاد حس تعلق به مکان

ماه منیر نصیری کارشناس ارشد معماری
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان
Mahmonir.nasiri@yahoo.com

چکیده

در برخورد با معماری که بتواند حس مکان را ایجاد و تقویت نماید، نکته حائز اهمیت توجه به موضوعات مرتبط با روابط و تعاملات اجتماعی و طراحی مکان است. تلاش در معرفی فضاهایی که در جهت ارتقاء تمایل حضور کاربران در فضا بکوشد، همچنین فضاهایی با امکان ایجاد حس مکان در آنها و توجه به تجربیات و خاطرات افراد و مد نظر قرار دادن موضوعات مختلف مرتبط با طراحی محیط می تواند در این خصوص بسیار موثر باشد. پژوهش حاضر با هدف دستیابی به اصول و مولفه های موثر بر ایجاد حس تعلق به مکان صورت گرفته است. نتایج حاصل از مرور برخی مطالعات موجود در این زمینه به ابعاد و مولفه های گوناگونی اشاره دارد که برخی از این موارد به کالبد فضا و برخی به نوع فعالیتهای حاکم در این فضاها، همچنین عوامل ادراکی و شناختی معطوف می باشند. روش تحقیق مورد استفاده در این رساله کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد، زیرا با استفاده از مطالعات کتب و مقالات مختلف و نتایج حاصل از آنها به عمل آمده است. روش گردآوری اطلاعات، میدانی و از طریق مشاهده مستقیم می باشد. این پژوهش با معرفی معیارهای موثر بر ایجاد حس مکان و مد نظر قرار دادن عناصر کمی و کیفی و تأثیر پذیر ی آنها از یکدیگر، الگویی قابل ارزیابی جهت ایجاد حس تعلق به مکان را معرفی می نماید.

واژه‌های کلیدی: معماری، مکان، طراحی محیط، حس تعلق به مکان

مقدمه

معماری به عنوان یک هنر، بالاتر از حد جوابگویی صرف به نیازهای عملکردی یک بنا می باشد، چرا که اصولاً تجلیات فیزیکی معماری با عملکرد انسانی مطابقت دارد و به عبارت دیگر و در نهایت ترکیب و نحوه سازماندهی عناصر شکل دهنده فرم و فضا و شیوه های طراحی معماری، منجر به استخراج جوابها و یک سری معانی خواهد شد. لذا عناصر اولیه تشکیل دهنده فرم و یا فضا به عنوان ابزاری برای حل معمارانه مسأله در برخورد با مسائلی از جمله عملکرد، معانی و مفاد و محیط پیرامون خواهد بود.

انسان همواره در تعامل با محیط است، همانگونه که بر محیط اثر می گذارد، ویژگی های محیط نیز قادرند تسهیل کننده و یا بازدارنده رفتارهای او باشند و آنچه نیروی هدایت کننده رفتار انسان است نیازها و انگیزش های اوست. بنابراین برای خلق فضایی که افراد تمایل به حضور و فعالیت در آن را داشته باشند، باید نیازهای افراد استفاده کننده که شامل نیازهای فیزیولوژیک و نیازهای رفتاری توأم با هم است، از محیط به درستی شناخته شود و پایه و اصول طراحی فضای مذکور قرار گیرد. از آنجائیکه معمار نیازهای جامعه را می شناسد می تواند برای این نیازها راه حل ارائه دهد. این نیازها او را در جهت طراحی با امکان ایجاد حس تعلق به مکان که مشوق حضور و تداوم در مراجعه مجدد به فضاست یاری می کند.

۱- محیط

۱-۱ طراحی محیط و منظر

با اینکه یکی از مولفه های اصلی تجربه فضا، فهم معنا و محتوا یا پیام آن است، ولی مواجهه انسان با محیط مصنوع و حتی محیط های طبیعی، فقط به جنبه ادراک آن محیط، محدود و منحصر نیست. تجربه فضایی جزئی از زندگی و آمیخته با آن است. همه انسان ها بدون شک تجربه ای از فضای پیرامون خود دارند، تجربه ای که در کلیت خود مشکل بتواند در قالب کلمات به طور کامل توصیف شود. با این حال اغلب اوقات علت اینکه یک ساختمان یا فضا را ناآشنا و نامأنوس احساس می کنیم، این است که آن بنا یا محیط برای ما بدون معنا و بدون محتوا جلوه می کند یا اینکه برقراری ارتباط با آن محیط برایمان ناممکن است. گرچه غنای بسیاری از تجارب فضایی در گرو ادراک معنا از محیط است، اما برخی اوقات معلول و متأثر از حضور معنایی و متعالی است، احساسی درونی که از مکان برنمی خیزد، بلکه رنگ و بوی خود را بر مکان می افکند. (ال راس و دیگران، ۱۳۷۹) [1]

طراحی محیط و منظر با عوامل تشکیل دهنده آن که عوامل طبیعی و ساخته های دست انسان است، مرتبط است. با بکار بستن اصول و قوانین منبعث از ارزش های فرهنگی و جهان بینی جامعه، طراح به منظور پاسخگویی به برخی نیازهای معنوی و روانی و مادی انسان، فضا و محیطی را ایجاد می کند که در جهت ارتقاء کیفیت محیط و مناسب نمودن آن برای تداوم زندگی مطلوب انسان ایفای نقش می نماید.

قابل توجه است که طراحی محیط و منظر مستقل از انسان معنا ندارد. البته انسان نیز تنها کالبد و جسم نبوده و واجد ساحتی دیگری از حیات مثل ذهن و نفس و روح نیز می باشد. به این ترتیب اولاً منظر که محل و فضا و محدوده مشاهده انسان است تنها با حضور انسان معنا می یابد. ثانیاً انسان مطابق جهان بینی و فرهنگ خود که مبین نحوه نگرش وی به عالم هستی، روش زیست مطلوب و مورد نظرش می باشد، به طراحی و شکل دادن محیطی می پردازد که حاصل آن منظری خواهد بود که ارزش ها و مفاهیم خاص و مورد نظر وی را به ناظر القاء و منتقل نماید. (نقی زاده، ۱۳۷۹) [2]

۲-۱ قابلیت‌های محیط

محیط مجموعه‌ای سازمان داده شده از قابلیت هاست. قابلیت‌های هر چیزی چه مادی و چه غیر مادی، بخشی از داشته‌های آن چیز است که آن را برای موجودی خاص یا عضوی از یک گونه موجودات قابل استفاده می‌سازد. داشته‌ها می‌توانند پیکره بندی کالبدی یک شیء یا یک مکان رفتاری باشد که آن را برای فعالیت خاص قابل استفاده می‌سازد. این داشته‌ها معانی و دریافت‌های زیبایی شناختی را نیز تأمین می‌کنند. مفهوم قابلیت در عین سادگی مفهومی قوی و بنیادین در نظریه طراحی محیط است. الگوهای مختلف محیط ساخته شده، انتخاب‌های رفتاری و زیباشناختی فرد را بسته به چگونگی پیکره بندی محیط محدود می‌کند یا گسترش می‌دهد. مردم محیط‌های طبیعی و مصنوعی را برای دگرگون کردن قابلیت‌ها تغییر داده و به تغییر آن همچنان ادامه می‌دهند (لنگ، ۱۳۸۸، ۷۵) [3]

محیط زیست انسان را می‌توان مجموعه‌ای از عناصر طبیعی، آثار انسان ساخت، فرهنگ، آداب و سنت‌ها و امکانات فن آوری که انسان به آنها دست یافته است دانست. این عناصر ضمن اینکه فضای زندگی انسان را مطلوب و مناسب خواسته‌های او می‌سازند، رفتارهای فردی و جمعی او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. در مجموع محیط دربردارنده امکانات و قابلیت‌های بالقوه‌ای است که انسان متناسب با باورهای خویش از آنها در تأمین نیازهایش بهره می‌گیرد. این قابلیت‌ها را می‌توان به دو دسته طبقه بندی کرد: اول: قابلیت‌های مادی که به عملکرد آن محیط یا عنصر محیطی اشاره دارند، مثل قابلیت سقف برای ایجاد سایه در مقابل تابش آفتاب و یا قابلیت پله برای حرکت رو بالا یا پایین.

دوم: قابلیت‌های معنایی که شامل معنای ظاهری، معنای نشانه‌ای، معنای نمادین و معنای مقدس می‌باشد. از آنجاییکه محیط در رابطه و در مقایسه با انسان مطرح می‌شود، می‌توان محیط را مجموعه تمام عوامل و عناصری دانست که بر انسان به نوعی احاطه داشته و انسان در میان آنها زندگی و فعالیت می‌کند و تمامی آنها در شکل‌گیری و نحوه فعالیت‌ها و رفتارهای انسان مؤثرند. این عناصر شامل طبیعت، عناصر انسان ساخت، فرهنگ، جوامع انسانی، قانونمندی، روابط حاکم بر جامعه و انواع مصنوعات انسانی دانست. شاخص‌های معرف قابلیت‌های محیط در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱- قابلیت‌های محیط مأخذ: نگارنده

قابلیت‌های محیط	شاخصه‌ها	نمونه‌های معرف در معماری
قابلیت‌های مادی	عناصر محیطی عوامل مصنوعی	سقف جهت ایجاد سایه پله جهت صعود و نزول
قابلیت‌های معنایی	معنای ظاهری یا نشانه‌ای معنای نمادین یا مقدس	المان‌ها و نمادهای معماری بکارگیری الگوهای کهن یا اعداد مقدس در طراحی

۳-۱ تعامل انسان و محیط

محیطی که مردم در آن برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را انجام می‌دهند، برخوردار از روابطی دو سویه است. افراد محیط را متأثر می‌نمایند و محیط انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این رابطه ادراک محیط بر چگونگی شکل‌گیری فعالیت‌ها در فضاها

تأثیرگذار است. اگرچه ادراک از نقطه نظرات گوناگونی مورد رجوع قرار گرفته است، اما رویکرد پذیرفته شده متداول در این رابطه مبین این است که چگونه حواس مشترک به محیط و مکانی که در آن هستند واکنش نشان می دهند. این امر بر میزان تبادل و تعامل افراد و محیط آنها دلالت دارد. در اینجا کاربرد عبارت تبادل و تعامل بر این امر تأکید دارد که ادراک کننده و ادراک شونده، اجزاء یک فرآیند واحد در نظر گرفته می شوند و هیچ یک از اجزاء به طور مستقل قابل ملاحظه نمی باشند. (دانشگر مقدم، بحرینی، عینی فر، ۱۳۹۰) [4]

محیط برای تأمین تجربه ها و رفتارهای انسان توان بالقوه ای دارد. اطلاعات محیط از طریق فرآیندهای ادراکی به دست می آید، که به وسیله طرحواره های ذهنی برانگیخته شده و توسط نیازهای انسانی هدایت می شوند. این طرحواره ها تا حدودی فطری و تا حدودی آموختنی هستند و پیوند ادراک و شناخت را برقرار می سازند. طرحواره ها نه تنها فرآیندهای ادراکی، بلکه واکنش های احساسی و اعمال و رفتارهای فضایی را هدایت می کنند و در مقابل، این فرآیندها و واکنش ها نیز طرحواره های ذهنی را به عنوان حاصل رفتار ادراک شده تحت تأثیر قرار می دهند. احساسات و کنش های انسانی توسط قابلیت های محیط طبیعی و ساخته شده، محیط فرهنگی و شخصیت درونی انسان محدود می شوند. (لنگ، ۱۳۸۸، ۹۵)

۱-۴ تعابیر متفاوت فرد در رویارویی با محیط

پاکزاد تعابیر و برداشت های انسان در رویارویی با یک محیط جدید را در دو دسته طبقه بندی می کند:

۱- استقلال و تشخیص فضا از شخص

۲- آشنا بودن فضا برای شخص

اگر فضایی خاطرات مخاطب خود را برانگیزد و ذهنیتی را برای او ایجاد کند، بر او تأثیر بسیار مهم و گیرایی خواهد داشت. با مشاهده یا ادراک فضا، ممکن است شخص به یاد خاطره ای مثبت یا منفی بیفتد. شباهت فضا و یا عناصری آشکار و پنهان در آن، این واکنش را ایجاد می نماید. زیرا انسان با مشاهده یک فضا آن را به فضای ساخته شده دیگری ربط می دهد و آن را با ذهنیت های قبلی خود مربوط می سازد و پیش قضاوت های خود را راجع به فضای جدید صادر می نماید.

فرآیند این همانی، فرآیندی است که قیاسی بین عینیتی موجود با اطلاعات و داده هایی از آن در ذهن و به عبارتی ذهنیت قبلی. هر فضا با آنکه یک موجود خارجی مستقل است، ولی در فرآیند ادراک تبدیل به یک پدیده ذهنی می شود. ما در فرآیند این همانی از این تصویر ادراکی و ذهنیت خود بهره گرفته و عینیت را با آن می سنجمیم. لذا تشخیص هویت، در واقع نوعی ارزش گذاری یا تعیین کیفیت است که ارتباط کامل با اندوخته های ذهنی فرد، از تجربیات مستقیم گرفته تا فرهنگ و سنت او دارد.

(پاکزاد، ۱۳۸۵، ۱۴۸) [5]

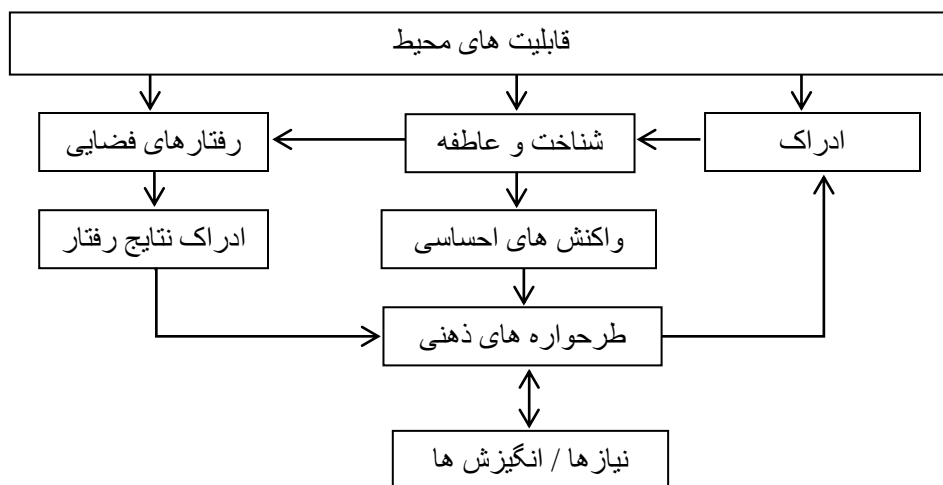
فرد در برخورد با یک یا چند عامل شکل دهنده هویت خود، احساس این همانی کرده و آن عینیت را ادامه عینیت خود پنداشته، به هنگام برخورد مجدد، آن را جزئی از وجود خود می داند. اطمینان و تسلط ذهنی ناشی از این فرآیند باعث آسودگی خاطر و احساس تعلق می گردد. عادت منتج از تکرار عمل و استمرار در استفاده از یک فضا نیز می تواند موجب این همانی شود. فضاهایی که با عادات و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی هم خوانی داشته باشند، احساس تعلق و این همانی بیستری را ایجاد می نمایند. زیرا فضاها بیشتر از فرم اجتماعی- فرهنگی آن بازشناخته می شوند تا معماری آن. (همان، ۱۴۹)

۱-۵ تأثیر محیط بر انسان

ادراک محیط بر اساس دانش و اطلاعاتی که انسان نسبت به اشکال و فضاها و معنای آنها دارد، شکل می‌گیرد. این ادراک سبب می‌گردد تا انسان مراتب مختلف ارتباط مانند احساس هویت و این همانی، احساس سرور و خوشی، احساس غم و اندوه، احساس غرور، احساس حقارت، احساس موفقیت، احساس از خود بیگانگی و بسیاری احساسات دیگر را تجربه کند که هر کدام از این احساسات ثمره رابطه‌ای است که ناشی از ادراک محیط توسط انسان و ارتباطی که او با محیط برقرار ساخته است سرچشمه می‌گیرد.

معنادار بودن محیط و تأثیری که محیط از طریق حواس بر ذهن انسان می‌نهد، و بالنتیجه معنایی که از تماس با محیط و با قرار گرفتن انسان در فضایی به او القاء و یا به ذهن او متبادر می‌شود و نهایتاً تحولات فرهنگی و رفتاری ناشی از تأثیرات محیط، موضوعاتی هستند که نه تنها از طریق استدلال منطقی تأیید می‌شوند، بلکه این فرآیند با روش‌های تجربی نیز به اثبات رسیده‌اند. بارزترین ویژگی‌های تأثیرگذار محیط بر انسان عبارت از نمادها، نشانه‌ها، تناسبات، صدا، نور، عملکردها و منشأ آنها می‌باشد، که اینها تنها وجه مادی و ظاهری بوده و اثرات ناشی از آنها را در مقولاتی چون هویت، تشخیص، احساس تعلق به مکان، احساس راحتی، احساس امنیت، احساس حقارت و تذکر معانی معنوی و روحانی می‌توان مورد توجه و بررسی قرار داد. بارزترین وجهی که می‌تواند این عوامل ظاهری و اثرات ناشی از آنها را توأم با هم معرفی نماید، کیفیت فضا است. (نقی زاده، ۱۳۸۱) [6] این کیفیات در نمودار ۱ قالب بندی شده است.

نمودار ۱- فرآیندهای بنیادین رفتار انسان مأخذ: لنگ، ۱۳۸۸



۲- مکان

۱-۲ تعریف مکان

از دیدگاه پدیدارشناسانه، مکان چیزی بیش از یک محل انتزاعی است. مکان کلیتی است که از اشیاء و چیزهای واقعی ساخته شده و دارای مصالح، ماده، شکل، بافت و رنگ است. مجموعه این عناصر با هم کاراگر محیطی مکان را تعریف می‌کنند. در روانشناسی محیطی مرسوم، مکان به عنوان برآیندی از نیروهای متنوع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روان شناختی که در لحظه خاصی از زمان بر آن تأثیر می‌گذارند، تلقی می‌شود. فرض بر این است که مداخله مناسبی از نیروهای یاد شده می‌تواند موجب دگرگونی مکان گردد، بر ماهیت آن تأثیر بگذارد و به آن شکل بدهد. (پرتوی، ۱۳۸۲) [7]

مکان دارای یک پایه جغرافیایی و معماریانه خاص است. مکان زمینه‌ای برای فعالیت هاست و عموماً دارای یک هویت شناختی است. مکان در برگیرنده عوالم اجتماعی متنوعی است و دارای تاریخی که گذشته، حال و آینده را به هم می‌پیوندد. هر کدام از این جنبه‌های مکان، واجد اهمیت هستند. مکان‌ها مملو از کیفیت‌های گوناگون هستند و لذا مداخلات انسانی، زمانی به بهترین وجه به ثمر می‌رسد که این کیفیت‌ها به خوبی شناخته شوند.

۲-۲ حس مکان

حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباط درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوریکه فرد و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس علاوه بر اینکه موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود. (فلاح، ۱۳۸۵) [8]

در گذشته با وجود سختی زندگی و بی‌عدالتی اجتماعی، انسان در مجموع احساس تعلق و هویت می‌کرد. جهان همچون عالمی از کیفیت‌ها و معانی تجربه می‌شد. بنابراین جهانی عمومی بود که مبنایی برای مشارکت و همراهی پدید می‌آورد. در صورتیکه نظریه‌های مدرنیستی صرفاً بر اساس داده‌های کمی شکل گرفته‌اند و در نتیجه دچار بی‌معنایی شده‌اند و تحت تأثیر این شرایط، انسان بودن و هستی خود را در عالم از یاد برده‌اند. (شولتز، ۱۳۸۲، ۳۰) [9]

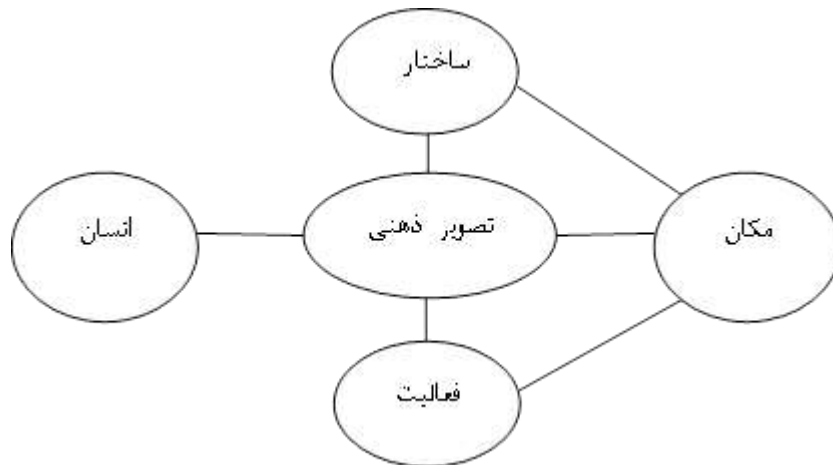
هدف مکان آشکار کردن چیزها در عالم است. بدین معنا که مکان با برآورده کردن آن چیزی که محیط کم و بیش به آن نیاز دارد، علاوه بر اینکه محیط را کامل می‌کند، آن را دارای گستره و محدوده نیز می‌سازد و یا به مفهومی دیگر قلمرو به وجود می‌آورد و بدین ترتیب آن را قابل فهم و درک می‌سازد. (حبیبی، ۱۳۸۷، ۴۲) [10]

۲-۳ رابطه انسان و مکان

انسان و مکان دارای شاخصه‌های همانندی همچون خاطره و هویت هستند. انسان می‌تواند هویت پرداز یک مکان باشد و مکان می‌تواند دارای هویت انسان ساز باشد و این دو برای یکدیگر لازم و ملزوم هستند. انسان برای اینکه خود را بهتر بشناسد نیاز به شناخت محیط اطراف خود دارد و این در صورتی است که تصویر ذهنی روشن و خوانایی از خود و محیطش داشته باشد. و مکان زمانی شکل می‌گیرد که انسان با تمام احساس و ادراک خود روح و معنای آن را دریابد. مکان با ساختار فیزیکی و فعالیت‌هایی که در

آن رخ می دهد تعریف مادی پیدا می کند و با شکل گرفتن تصویر و خاطره آن در ذهن انسان و در طول زمان معنا و روح پیدا می کند. (حبیبی، ۱۳۸۷) [10] نمودار ۲ رابطه انسان و مکان را از دیدگاه حبیبی به تصویر می کشد.

نمودار ۲- رابطه انسان و مکان مأخذ: حبیبی، ۱۳۸۷



۳- حس تعلق به مکان

۳-۱ تعریف حس تعلق به مکان

تعلق به مکان سطحی بالاتر از حس مکان است که به منظور بهره مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین کننده ای می یابد. تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به وجود می آید فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر می شود که انسان خود را جزئی از مکان می داند و بر اساس تجربه های خود از نشانه ها، معانی، عملکردها و شخصیت، نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می سازد و مکان برای او مهم و قابل احترام می شود. (فلاح، ۱۳۸۴) [11]

۳-۲ ابعاد مختلف حس تعلق به مکان

حس تعلق به مکان را می توان به طور کلی به دو دسته تعلق اجتماعی و تعلق کالبدی تقسیم بندی کرد.

۱- تعلق اجتماعی: این گونه از تعلق که عمدتاً بر پایه تعاملات و کنش های اجتماعی در محیط صورت می گیرد، بر اساس نظریه محیط اجتماعی شکل گرفته و محیط از این منظر، گونه ای از تعلق و ترکیبی از عناصر اجتماعی را دارا می باشد که فرد در آن به جستجوی تعلق خاطر خود می پردازد. گیفورد با هدف شناسایی تفاوت های مد نظر معماران و مردم استفاده کننده از محیط، یکی از مهم ترین عوامل موجود در محیط را عدم توجه به بعد اجتماعی محیط از سوی طراحان و توجه صرف به عناصر کالبدی و شاخص های فرمی، فارغ از عوامل معنایی اشاره کرده و با شفاف نمودن این اختلاف، بر ضرورت تجدید نظر و شناسایی تفاوت معنایی بین طراحان و استفاده کنندگان در محیط های شهری تأکید می کند.

۲- تعلق کالبدی: این نوع از تعلق، برگرفته از عناصر و اجزای کالبدی به عنوان بخشی از فرآیند شناخت و هویت انسانی می باشد. برخی روانشناسان به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره و از آن به عنوان ریشه داری یاد می نمایند که بر این

اساس، فرد محیط را به همراهی عناصر کالبدی آن در شکل دهی معنای تعلق به خاطر می سپارد. علاوه بر آن گروه دیگری از روانشناسان از جمله تیلور در بررسی خود از فضاهای عمومی در واحدهای همسایگی با اشاره به عناصر کالبدی، از آن به عنوان تعامل کالبدی یاد می نمایند که معادل تعلق کالبدی به مکان می باشد.

در محیط معانی متفاوتی وجود دارد و این معانی به طور نظام یافته ای به فرهنگ پیوند خورده اند. مردم در مجموعه های کالبدی متفاوت، رفتاری متناسب با آن را که توسط فرهنگ تعریف شده بروز می دهند. آنان بر اساس ادراک خود از محیط عمل می کنند. باید این زبان را فهمید و آن را مبنایی برای ایجاد اشکال در محیط شهری قرار داد. روان شناسان محیطی نزدیک به چهل سال به مطالعه روابط انسانی با محیط و معانی مختلف ارتباطی آن پرداخته اند.

آلتمن حس تعلق در محیط را بیش از تجربه شناختی دانسته و اعتقاد دارد که این حس، عقاید فرهنگی مرتبط کننده افراد با محیط را شامل می شود و خصوصیات این محیط را در سه عامل مقیاس، اختصاصی بودن و قابل دسترس بودن بیان می نماید. در جایی که روان شناسی گشتالت بر الگوهای ادراکی و هم ریختی بین شکل ها و تجربیات ادراک محیطی با فرآیند شکل گیری نظام عصبی در انسان علاقمند است، روان شناسی سازشمنند، تجربه انسان از محیط و ارتباط متقابل انسان و پیرامونش را مبنا قرار داده و ادراک را به مانند فرآیندی بین مشاهده گر و محیط مورد بررسی قرار می دهد. (تولایی، ۱۳۸۰، ۴۱) [12]

راپاپورت با تأکید بر نقش مولفه های اجتماعی فرهنگی در شکل گیری محیط کالبدی، با ارائه نظریه ارتباط غیر کلامی، محیط را مجموعه ای از عناصر کالبدی ثابت، نیمه ثابت و متحرک تقسیم می کند که فرد بر اساس کدها و انگاره های فرهنگی خود، معنا و مفهوم خاص خود را از محیط و عناصر آن استنباط می کند. بنابراین حس تعلق و ارتباط مکانی بر اساس نگرش وی به صورت نمادها و سمبل های فرهنگی، اجتماعی و کالبدی در محیط بروز می نماید و فرد بر اساس کدها و انگاره های فرهنگی خود، این نمادها را کشف و ارتباط خود با محیط را ایجاد می نماید. (راپاپورت، ۱۳۸۸) [13] این دیدگاههای متفاوت از دانشمندان روانشناس محیطی در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲- ویژگی های حس تعلق به مکان از دیدگاههای روانشناسان محیطی مأخذ: نگارنده

ردیف	محققین	شاخص های مرتبط با حس تعلق
۱	آلتمن	عقاید فرهنگی مرتبط کننده با محیط - مقیاس محیط - اختصاصی بودن - قابل دسترس بودن
۲	بتلی	خوانایی محیط - تمایز کالبدی
۳	پروشانسکی	دلبستگی به مکان - هویت مکان - تعامل محیطی - ارتباط تنگاتنگ فرد با محیط
۴	رابرت رایان	تعامل محیطی فعال - تعامل محیطی نیمه فعال - تعامل محیطی غیر فعال
۵	راپاپورت	نگرش فرد و کشف ارتباطات محیط - نمادها و سمبل های فرهنگی - تجارب اجتماعی - نشانه های کالبدی
۶	رلف	تجربه و نحوه ادراک انسان - روح مکان - حس مکان - معنای مکان

۳-۳ عوامل شکل دهنده حس تعلق به مکان

احساس تعلق به مکان را می‌توان منبعث از دو عامل انسانی و محیطی که در نمودار شماره ۳ نشان داده شده است دانست. (رامیار، ۱۳۹۰، ۳۲-۳۱) [14]

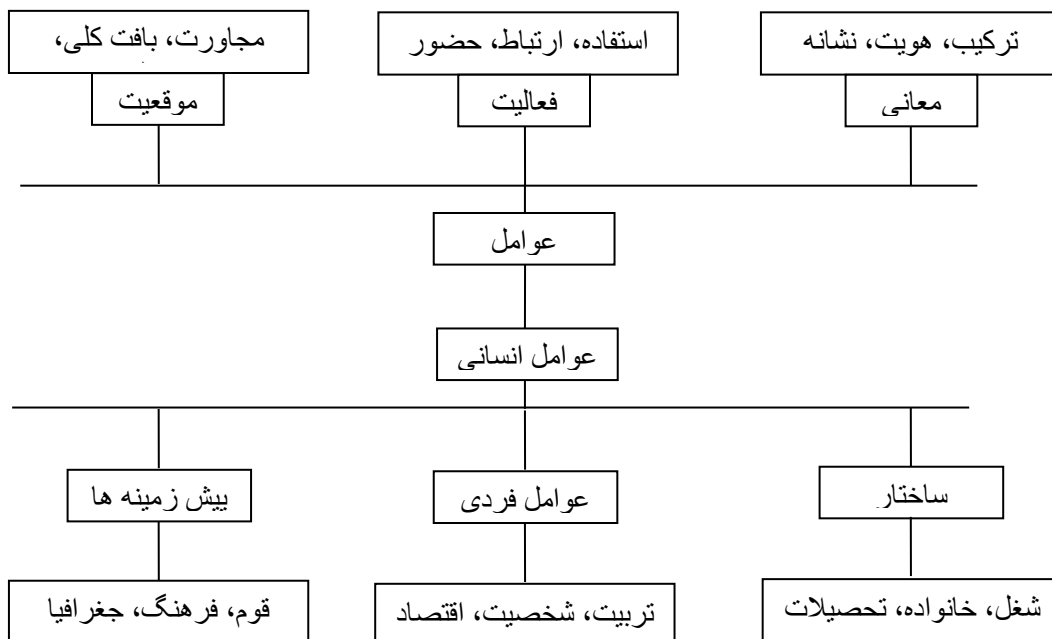
الف. عوامل محیطی

- معانی که محیط در بردارد و این معنا حاصل ترکیب محیط، زیبایی آن، هویت آن، نشانه‌هایی که در بر دارد و غیره است.
- فعالیت‌ها و قابلیت‌های محیط برای ارائه فرصتی برای انجام دادن فعالیت. این فعالیت‌ها ممکن است به صورت استفاده از امکانات باشد یا ارتباطات میان افراد و محیط یا با حضور فردی در محیط و غیره صورت گیرد.
- موقعیت مکانی نیز از عوامل تأثیرگذار بر محیط است که می‌توان آن را در همجواری‌های مکان، فاصله آن تا مبدأهای فضایی دیگر، بافت کلی محیط و غیره دید.

ب. عوامل انسانی

- خود فرد که شامل شخصیت فردی او، تربیت و شرایط مالی اش و غیره می‌شود.
- پیش زمینه قومی، ملی، فرهنگی، جغرافیایی و غیره فرد.
- نقش اجتماعی فرد، چه در خانواده و چه شغل و غیره.

نمودار ۳- احساس مکان منبعث از دو عامل محیطی و انسانی مأخذ: رامیار، ۱۳۹۰



حس تعلق به مکان را می‌توان در دو بخش دیدگاه نظری و دیدگاه علمی - کاربردی طبقه بندی کرد و مورد بررسی قرار داد. مرور تئوری‌ها و رویکردهای مختلف از دیدگاه روانشناسان محیطی، شباهت‌ها و تفاوت‌های برداشت از حس تعلق به مکان و معیارهای اساسی آن که نظریه پردازان ارائه داده اند می‌تواند عوامل موثر بر ایجاد حس تعلق به مکان را در قالب دسته بندی زیر ارائه دهد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۳-۱ عوامل معنایی

دو بعد هویت مکانی (تعلق عاطفی و احساسی) و وابستگی مکانی (تعلق عملکردی و فعالیتی)، دو بعد اساسی حس تعلق می‌باشند، که اولی تعلق معنایی به مکان و دومی تعلق عملکردی و فعالیتی به مکان را در بر می‌گیرند که دو شاخه اصلی حس تعلق به مکان را تشکیل می‌دهند. می‌توان آیتم‌های فعالیت، کالبد، معنا، انسان، زمان و روح را به عنوان عوامل ایجاد کننده حس مکان در یک مکان خاص مد نظر داشت و همچنین دو بعد هویت مکانی (تعلق عاطفی و احساسی) و وابستگی مکانی (تعلق عملکردی و فعالیتی) را می‌توان دو بعد اساسی تعلق به مکان در نظر داشت. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده و از رویکرد نگرش‌های مختلف بر اساس مدل معنایی محیطی، حس تعلق در معماری برآیند سه عامل فرد، دیگران و محیط می‌باشد که در یک فرآیند سه قطبی، معنای محیطی حس تعلق را ایجاد می‌نماید.

بر این اساس عوامل تشکیل دهنده حس تعلق در طراحی به صورت زیر ارائه می‌گردد:

- عوامل ادراکی، شناختی، فردی
- عوامل اجتماعی
- عوامل محیطی، کالبدی

۳-۳-۲ عوامل ادراکی، شناختی و فردی

حس تعلق ترکیبی از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کنند. این معنا که عمدتاً بر پایه ارتباطات عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به صورت نمود کالبدی، خود را نمایان می‌سازد. شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان می‌باشد. بدین منظور، محیط‌های با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده کنندگان، جزء محیط‌های مطلوب بوده و ادراک و شناخت بهتری از سوی افراد در آن صورت می‌گیرد. عوامل کالبدی همچون مشخص نمودی حریم‌ها، حدود مالکیت و همسایگی‌ها از مهم‌ترین عوامل ادراک مناسب انسانی از محیط می‌باشد که فرد بر اساس شایستگی‌ها و انگیزش‌های خود به کنکاش و تجربه از محیط می‌پردازد.

(جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰) [15]

حس مکان تنها به معنای یک حس یا عاطفه یا هر گونه رابطه با مکانی خاص نیست، بلکه نظام و ساختاری شناختی است که فرد با آن موضوعات، اشخاص، اشیاء و مفاهیم یک مکان احساس تعلق پیدا می‌کند. از این رو افراد بدون حس مکان قادر به زندگی در محیطی خاص نیستند، چرا که حس مکان توانمندی فضا یا مکان در ایجاد حسی خاص نسبت به کلیت مکان است و با این حس، مکان رابطه فرد با تمامی مفاهیم، اشخاص و سایر موضوعات موجود در آن مکان را تأمین می‌کند.

حس به معنای احساس مرحله قبل از ادراک نیست، بلکه به معنای عاطفه یعنی مرحله پس از شناخت است. به این ترتیب مکان‌ها در افراد مختلف حس‌های متفاوتی ایجاد می‌کنند و نقش شخصیت و تجارب گذشته انسان‌ها در دریافت این حس موثر است. فضایی که در فرد حس مکان و تعلق ایجاد می‌کند دیگر برای او فضا نیست و تبدیل به یک مکان می‌شود. در این صورت مکان کلیتی می‌شود که مردم تمام فعالیتها و اتفاقات را با آن می‌شناسند، مثلاً مردم وقتی که به مسجدی وارد می‌شوند با مکان مسجد مواجه می‌شوند نه با اشکال مجرد، مردم، نماز. همین توانمندی مکان است که در ورای اجزاء و فعالیتها موجب احساس تعلق به مکان مسجد می‌شود. (فلاح، ۱۳۸۵)

بعد عاطفی و احساسی ارتباط انسان و مکان بسیار حائز اهمیت است و تعامل در این سطح ناشی از نوعی ارتباط عمیق بین انسان و مکان می‌باشد، همچنین شکل‌گیری معنا در این مسأله در ارتباط با عواطف انسانی می‌باشد. بسیاری از نظریه‌های طراحی محیطی حس تعلق در این خصوص را حس مکان می‌نامند که اشاره به انعکاسی از ترکیب ادراک، شناخت و احساسات انسانی نسبت به محیط دارند و در مورد آن به تفصیل پرداخته شد.

این منظر بر نقش شناخت انسان از محیط به عنوان ضرورت ایجاد معنای حس تعلق تأکید می‌کند. بر این اساس محیط‌های با آگاهی و شناخت بیشتر برای افراد دارای بار معنایی بیشتری نسبت به محیط‌های مشابه با ادراک و شناخت فردی کمتر می‌باشد.

۳-۳-۳ عوامل محیطی کالبدی

این دسته از عوامل بر اساس نظریه مکان-رفتار روانشناسی محیطی، به دسته بندی محیط به دو عامل مهم فعالیت و کالبد می‌پردازند. فعالیت‌های حاکم در یک محیط را بر اساس عوامل اجتماعی، کنش‌ها و تعاملات عمومی انسان‌ها تعریف می‌کنند و کالبد را به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزاء به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری حس تعلق محیط ارزیابی می‌نمایند. عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی، ارتباط درون و بیرون در فضاها به ایجاد حس تعلق می‌پردازند. شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس به عنوان ویژگی‌های فرم، هر یک نقش مهمی در شکل‌گیری حس تعلق داشته و نوع ساماندهی و چیدمان اجزاء کالبدی نیز عامل موثر دیگر می‌باشد. از سوی دیگر عناصر کالبدی از طریق هم‌سازی و قابلیت تأمین نیازهای انسان در مکان در ایجاد حس تعلق موثر می‌باشد. در طراحی، هر یک از متغیرهای رنگ، شکل، بافت، مقیاس و نوع ساماندهی بر اساس نیازهای انسانی و تأمین نوع فعالیت مورد نظر در فضاها از اهمیت خاص برخوردار می‌شوند که بیانگر قابلیت محیطی است که فرم عملکرد را شکوفا می‌کند. (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰)

مهم‌ترین عوامل کالبدی موثر در ادراک و حس مکان، اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است. (فلاح، ۱۳۸۵)

نقش طرح کالبدی بر فعالیتها و احساسات نه به طور مستقیم بلکه به صورت غیر مستقیم و از طریق ایجاد نشانه‌ها و معانی صورت می‌پذیرد. پس از آن روابط فضایی و سلسله مراتب نقش بسیار مهمی در غنی‌سازی حس مکان دارند. (فلاح، ۱۳۸۴)

۳-۳-۴ عوامل اجتماعی

به همان نسبت که عوامل ادراکی، شناختی فردی در شکل‌گیری حس تعلق به عنوان گام اولیه در این مسیر می‌باشد، نقش متغیرهای اجتماعی نظیر فرهنگ، نمادها و نشانه‌های اجتماعی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. محققان بیان می‌دارند که

آنچه محیط کالبدی را به عنوان بستر تعامل اجتماعی بیان می کند، در اصل نمادها و سمبل های محیطی مشترک اجتماعی از یک طرف و از طرف دیگر قابلیت محیطی در تأمین و گسترش این بعد از نیازهای انسانی است. در اصل همه انسانها دارای نیاز اجتماعی هستند و در هرم نیازهای انسانی در جستجوی تعلق به خویشاوندان و دوستان می باشند.

در این مرتبه از حس تعلق، محیط به عنوان بستر فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی است که افراد عناصر کالبدی را بر اساس ادراک و نظام ساختارشناختی خود کشف، تفسیر و تعبیر می کنند و در اصطلاح انسانها به صورت جمعی از محیط رمزگشایی می کنند. در این دسته از عوامل، عناصر کالبدی نظیر فرم ها شامل اشکال، بافت و رنگ منبعث از لایه های اجتماعی محیط، نقش ارتباطی با استفاده کنندگان ایفا می نمایند که هر یک بر اساس داده های فرهنگی در طول تاریخ معماری محیط، به دست آمده و حاوی معنای خاص خود می باشند. (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰)

تعلق به اجتماع از عوامل موثر در ایجاد مکان است. حس مکان، ادراک فردی مردم از محیط خود و احساسات کم و زیاد آگاهانه آنها از آن محیط است. حس مکان شخص را به گونه ای با محیط پیوند می دهد که فهم و احساس انسان با زمینه معنایی محیط به یکپارچگی می رسد. (فلاح، ۱۳۸۵)

از این منظر حس تعلق به محیط برآیند عواملی از تعاملات اجتماعی می باشد که در محیط صورت می پذیرد. بر این اساس محیط حاوی اطلاعات و نشانه های مشترک اجتماعی است که انسان ها با درک و رمز گشایی آنها با محیط خود به تعامل می رسند. فضاهای معماری مختلف می توانند بازدارنده و یا تسهیل کننده رفتارهای مردم باشند اما به هیچ وجه تعیین کننده رفتار نیستند. بنابراین تعامل بین انسان و فضای معماری تنها از طریق مقایسه رفتار با فضا میسر نیست بلکه همزیستی بین رفتار و فضا نتیجه وابستگی بین این دو به واسطه تصمیم و انتخاب نهایی انسان بر اساس توانایی های جسمی و فکری او، نیازهایش و واسطه ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی می باشد.

شیوه دیگری که برای تحلیل فعالیت ها در عرصه زمان و مکان ارائه گردیده است، به جغرافیای زمان معروف است. این شیوه به رفتار در زمان و مکان و محیط فیزیکی که فعالیت های اجتماعی در آن جریان دارد می پردازد و در پی آن است که چگونگی تأثیر محیط فیزیکی بر حرکات روزانه افراد و گروهها را بررسی نماید. (گیدنز، ۱۳۷۸) [16]

محیط دارای ساختار است و منعکس کننده و تسهیل کننده روابط و تراکنش های بین مردم و عناصر فیزیکی پیرامون است. این روابط در محیط فیزیکی پیش از هر چیز فضایی می باشند و مقدمات هر آنچه در محیط است به واسطه فضا متمایز می گردد. یکی از زمینه های کارآمد در حوزه روانشناسی محیط بر این مبنا است که فضا دارای منطقی اجتماعی و جمعی است و از طریق تحلیل ساختار فضایی و فعالیت های کاربران، چگونگی سازماندهی فضا به توسط معماران برای اهداف اجتماعی قابل پیش بینی است. (دانشگر مقدم، بحرینی، عینی فر، ۱۳۹۰)

تأثیر سازماندهی های فضایی بر تعاملات افراد نیز بسیار قابل تأمل است. در محیط انسان ساخت از یک طرف الگوهای جمعی در محیط تحت تأثیر سازمان دهی فضایی می باشند و از طرف دیگر محتوای فضایی محیط دارای الگوهای جمعی است.

محیط انسان ساخت بر اساس کیفیات فضایی اش نقش مهمی در شیوه زندگی کاربران ایفا می نماید. همچنین رویکرد چیدمان فضا بر اساس مطالعات کمی نشان می دهد که چگونگی فعالیت ها بر اهمیت و تفاوت فضاها تأثیر می گذارند. چنین مطالعاتی می توانند در کنار مطالعات تجارب روزمره، به بررسی و تحلیل ساختارهای فضایی- کالبدی و سامانه های جمعی- رفتاری بپردازند. اجتماع پذیری فضای عمومی معماری، ماحصل حلقه های واسط منتج از فرآیند همنشستی و همساختی بین ویژگی های کالبدی- انسانی است که سنجش این فرآیند و میزان آن، با چند معیار توضیح دهنده صورت گرفته است که عبارتند از قابلیت برقراری تعاملات بین افراد غیر صمیمی، میزان تمایل به تعامل در فضا، میزان حضور در فضا و مراجعه به آن، احساس نیاز به تعامل، تعلق مکانی به فضا و مدت توقف در فضا، استنباط همبستگی های معنادار بین این معیارهای سنجش همنشستی و همساختی، با هر یک از عامل های کالبدی- انسانی شناسایی شده، منجر به شناخت میزان تأثیر و نوع ویژگی های کالبدی- فضایی و روانی- اجتماعی موثر در اجتماع پذیری فضای معماری شد. (صالحی نیا و معماریان، ۱۳۸۸) [17]

مکان فیزیکی عناصر فیزیکی و مشخصه های لازم برای تداوم و پایایی آسایش افراد در محیط را فراهم می آورد. به عنوان مثال نور، ویژگی مهمی در محیط فیزیکی است که مکان فیزیکی چگونگی آن را مشخص می نماید. دوم اینکه محیط فیزیکی فراهم کننده امکانات و سازماندهی فضایی است که نظام ها و الگوهای ویژه فعالیت در فضا را قوام می بخشد و دیگر فعالیت ها را کمرنگ می نماید. به عبارت دیگر محیط فیزیکی شکل گیری روابط جمعی را تسهیل نموده، سطح مطلوبی از خلوت را در فضای فعالیت فراهم می آورد. متغیرهای عملیاتی در این سطح شامل ابعاد، هندسه فضا و روابط و ارتباطات فضایی در فضاهای فعالیت می باشد. در نهایت محیط انسان ساخت مولد و تضمین کننده احساسات، تجارب و ادراکاتمداین و زیبایی شناسانه است که به مثابه کیفیاتی در محیط، ادراکات کاربران را تحت تأثیر قرار می دهند. این سه سطح همواره به صورتی تعاملی و متغیر، رابطه بین تعاملات اجتماعی و نظام های رفتاری در فضا را کنترل می نمایند. (دانشگر مقدم، بحرینی و عینی فر، ۱۳۹۰) مولفه های موثر بر ایجاد حس تعلق به مکان به صورت خلاصه در جدول ۳ نمایان و معرفیهای آنها ارائه شده است.

جدول ۳- عوامل شکل دهنده حس تعلق به مکان مأخذ: نگارنده

ردیف	شاخص ها	معرف ها
۱	عوامل ادراکی- شناختی	معانی- نمادها- تجارب گذشته- کیفیت های محیطی- تعلق احساسی و عاطفی به محیط- تعلق عملکردی و فعالیتی به محیط
۲	عوامل اجتماعی	فرهنگ- نشانه های اجتماعی- قابلیت های محیطی- کنش ها و تعاملات اجتماعی
۳	عوامل محیطی- کالبدی	حریم ها- محصوریت- حدود مالکیت- همسایگی- فرم و شکل بافت و رنگ- تضاد- تناسب- مقیاس انسانی- تنوع بصری- روابط فضایی سلسله مراتب

۳-۴ شاخص های موثر بر ایجاد حس تعلق به مکان

نتایج حاصل از مبانی نظری بیانگر این مطلب است که حس تعلق به مکان به عوامل متعددی که در جدول ۳ به آن پرداخته شد بستگی دارد. از آنجاییکه ساماندهی شاخص های موثر بر حس تعلق به مکان در قالب چارچوب های تعریف شده تحت عنوان

عوامل ادراکی - شناختی - فردی، عوامل اجتماعی و عوامل محیطی - کالبدی بسیار کلی و نیاز به ارجاع به دانش‌های تخصصی را می‌طلبد، لیستی متشکل بر مولفه‌های تبیین‌کننده این عوامل در جدول ۴ بر پایه مبانی نظری مطرح شده ارائه می‌گردد. این مولفه‌ها به عنوان زیر معیارهایی که شاخص‌های اصلی را پوشش می‌دهند معرفی می‌گردند. تمامی شاخص‌ها و مولفه‌ها می‌توانند در طراحی یک مکان با میزان بالای حس تعلق به مکان در کاربران موثر باشند. بدیهی است شناخت و آگاهی به عوامل مذکور راهنمای طراحان در جهت نیل به این مقصود می‌باشد.

جدول ۴ - عوامل موثر بر حس تعلق به مکان مأخذ: نگارنده

ردیف	شاخص‌های موثر بر حس تعلق به مکان	متغیرها	گویه‌های عملیاتی
۱	عوامل جغرافیایی	اقلیم	شرایط زیست محیطی عوامل فیزیولوژی
		اقتصاد	منابع مالی منابع انسانی متخصص
		فرهنگ	ارزش‌های حاکم بر اجتماع اصول و ارزش‌های فرهنگی
		سیاست	سیاست‌گذاری فرهنگی فعالیت‌های رسانه‌ای مرتبط
۲	عوامل روانی - فردی	شخصیت	تجارب گذشته
		انگیزش	تعلق عاطفی به فضا
		شرایط روحی	رضایتمندی
		باورها	تصورات فردی
		توقعات	نیاز به تعامل
۳	عوامل روانی - اجتماعی	کالبد فضای عمومی	تنوع پذیری فضا
		الگوی پایدار رفتار	تعلق مکانی به فضا مدت توقف در فضا
		دوره زمانی ماندگار	میزان حضور در فضا میزان مراجعه به فضا
		تعاملات اجتماعی	تمایل به تعامل در فضا فضا به عنوان عامل ارتباط بیشتر
۴	عوامل فضایی - کالبدی	موقعیت در سازمان فضایی	موقعیت فضا نسبت به ورودی مرکزیت هندسی و کارکردی
		عناصر غیر ثابت	عناصر انگیزاننده مبلمان متوقف‌کننده

نور و صدا	عناصر ثابت		
جرم بصری			

نتیجه

توجه به مولفه‌های موثر بر طراحی فضاهای با ایجاد حس تعلق به مکان در حوزه‌های علمی و اجرایی شرایط اتخاذ تصمیمات بهینه را برای مدیران اجرایی و طراحان فراهم می‌آورد. حس تعلق به مکان با میزان تمایل حضور کاربران در محیط در ارتباط بوده و تعاملات اجتماعی متقابل میان فرد و محیط را تعریف می‌کند و محرک فرد جهت بازگشت مجدد به مکان می‌باشد که این امر به جهت ایجاد ارتباط مناسب میان فرد و محیط پیامدهای بسیاری را در پی خواهد داشت. در پژوهش حاضر معیارهای موثر بر ایجاد حس تعلق به مکان در قالب مولفه‌هایی طبقه‌بندی و تحلیل شد. تحلیل نتایج بیانگر آن است که عواملی مانند عوامل ادراکی، شناختی، عوامل اجتماعی و عوامل محیطی-کالبدی در جهت بازتاب حس تعلق به مکان از عوامل بسیار تأثیرگذار در این خصوص می‌باشند که هر کدام شامل زیرمولفه‌های متعدد می‌باشند. از این نتایج می‌توان جهت شناخت و تقویت عوامل موثر بر ایجاد حس تعلق به مکان استفاده کرد.

منابع

- [1] ال راس، ک، وینترزا، ا، کوپر، ک، ۱۳۷۹، مبانی فلسفی و روانشناختی ادراک فضا. ترجمه آریاب جلفا، نشر خاک.
- [2] نقی زاده، محمد، ۱۳۷۹، رابطه هویت سنت معماری ایرانی با مدرنیسم و نوگرایی. مجله هنرهای زیبا، شماره ۷.
- [3] لنگ، جان. ۱۳۸۸، آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). ترجمه علیرضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [4] دانشگر مقدم، گلرخ؛ بحرینی، سید حسین؛ عینی فر، علیرضا، ۱۳۹۰، تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت. مجله هنرهای زیبا، شماره ۴۵.
- [5] پاکزاد، جهان‌شاه، ۱۳۸۵، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. رساله دکتری رشته شهرسازی، دانشگاه تهران.
- [6] نقی زاده، محمد، ۱۳۸۱، تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی. مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۱.
- [7] پرتوی، پروین، ۱۳۸۲، مکان و بی مکانی: رویکردی پدیدارشناسانه. مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۴.
- [8] فلاح، محمد صادق، ۱۳۸۵، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن. مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- [9] شولتز، نوربرگ، ۱۳۸۲، معماری، حضور، زمان و مکان. ترجمه علیرضا احمدیان، تهران، انتشارات معمار نشر.
- [10] حبیبی، رعناسادات، ۱۳۸۷، تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان. مجله هنرهای زیبا، شماره ۳۵، ۳۹-۵۰.
- [11] فلاح، محمد صادق، ۱۳۸۴، نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد. مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۲.
- [12] تولایی، نوین، ۱۳۸۰، زمینه‌گرایی در شهرسازی. مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۰.
- [13] راپاپورت، ایماس، ۱۳۸۸، انسان شناسی مسکن. ترجمه خسرو افضلیان، تهران، انتشارات حرفه هنرمند.
- [14] رامیار، رضا، ۱۳۹۰، درآمدی بر طراحی محوطه مجموعه‌های مسکونی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- [15] جوان فروزنده، علی؛ مطلبی، ق، ۱۳۹۰، حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. مجله هویت شهر، شماره ۸، ۲۷-۳۷.
- [16] گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۸، جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی. تهران
- [17] صالحی نیا، مجید؛ معاریان، غلامحسین، ۱۳۸۸، اجتماع پذیری فضای معماری. مجله هنرهای زیبا، شماره ۴۰.

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop